یادداشت: چرا نمی توانیم توریست جلب کنیم

حداقل برای توریستهای‏ خارجی هم ارزش کالاهای‏ صادراتی را قائل شوید حقیقتا غم‏انگیز است که کشوری که جزو 10 کشور اول‏ توریستی جهان-از نظر جاذبه‏های توریستی-شناخته‏ شده است،در عمل از این میراث مشترک خدادادی و آبا و اجدادی استفادهء مطلوب را ننماید.چند سال پیش،درآمد توریستی ما از 37 میلیون دلار تجاوز نمی‏کرد.سال گذشته‏ هم که ظاهرا صنعت توریست کمی رونق گرفت از 330 هزار مسافر وارد شده تنها 170 میلیون دلار ارز بدست‏ آوردیم.متأسفانه آماری در دست نداریم که نشان دهد در سال مورد بحث ایرانیها در خارج چه مبلغ به عنوان‏ توریست هزینه کرده‏اند تا بتوان از آن تراز توریستی‏ کشور را استخراج کرد و نتیجهء مثبت یا منفی آنرا بدست آورد. بهر صورت همین ارقام که از سوی رئیس مرکز تحقیقات‏ سیاحتی عنوان شده نشان می‏دهد که در سال گذشته هر توریست خارجی به طور متوسط تنها 515 دلار در ایران‏ خرج کرده است!که با سنجش قیمتهای سرسام‏آور هتلها و نرخ غذا در رستورانها،مطلقا مبلغ قابل توجهی بحساب‏ نمی‏آید.گذشته از آنکه 330 هزار نفر توریست در سال در مقایسه با 530 میلیون نفر توریست کنونی سالانهء جهان‏ (که تا 15 سال دیگر به یک میلیارد نفر بالغ خواهد شد)نیز رقمی ناچیز است.

برابر آمار ارائه شده،در حال حاضر 220 میلیون نفر از مردم‏ جهان در مشاغل توریستی اشتغال دارند که این رقم برابر یک بیست و ششم از جمعیت جهان یا به گفتهء رئیس مرکز تحقیقات سیاحتی،معادل یک ششم از مشاغل کنونی‏ جهان است.یعنی از هر 6 شغل،یک شغل آن به امور توریستی جهان،سالانه 330 میلیارد دلار است که با این حساب سهم ایران نزدیک به یک دو هزارم آن است.یعنی‏ کشوری که یک دهم جاذبه‏های توریستی جهان را دارد،یک دو هزام درآمد توریستی جهان را جذب می‏کند!

درآمد توریستی،ارزی است که به اصطلاح با پای خود وارد کشور می‏شود.علاوه بر آنکه توریستها خود می‏توانند از یک‏ سو باطل کنندهء تبلیغات سوء دشمنان باشند و به رأی العین‏ واقعیتهای موجود در کشور مورد بازدید را به بینند،از سوی‏ دیگر،می‏توانند مبلغ خوب یا بد کشور مورد بازدید در سراسر جهان باشند.به گفته سعدی:

"غریب آشنا باش و سیاح‏ دوست‏ -که سیاح جلاب نام نکوست‏"

در دنیای اقتصاد، ارزی راحت‏تر و در عین حال ثمربخش‏تر از ارز حاصل از درآمد توریستی وجود ندارد.سیاح می‏آید و ارز خرج می‏کند تا چیزهای را فرا گیرد که برای آموختن آن به مردم دیگر کشور باید مبالغ هنگفتی هزینه شود،در حالی که تأثیر نقل‏ قول مستقیم کسی که نکات مثبتی در یک کشور دیده و از دیدنیهای آن عکس و فیلم تهیه کرده و در یک مجمع‏ آشنا آنها را نقل یا منتشر می‏کند به مراتب بیشتر از تبلیغات‏ بی‏احساس می‏باشد.

اینک این سئوال پیش می‏آید که چرا نمی‏توانیم ما که به‏ میهمان‏دوستی شهرهء آفاق هستیم،با دارا بودن اینهمه آثار دیدنی،که بسیاری از آنها یگانهء دهر هستند،جلب‏ توریست کنیم و سهم شایسته خود را در این صنعت دائم‏ گسترش یابندهء جهانی داشته باشیم؟آنهم درست در زمانی‏ که با توجه به قیمت بالای ارز با نرخ رسمی بانکی برای‏ هر دلار تویست خارجی 300 تومان به دست می‏آورد و با همهء تورمی که در کشور وجود دارد،هنوز قدرت خرید 300 تومان در ایران چند برابر قدرت خرید یک دلار در امریکا و اروپاست و طبعا چنین مکانیزمی باید جذب کنندهء توریست باشد.از چه روست که نمی‏توانیم توریست جلب‏ کنیم؟

یکی دیگر از نکات مثبتی که ما از آن برخوردار هستیم‏ و توریستها نیز نسبت به آن فوق العاده حساس هستند، آرامش و امنیت داخلی است.در کشور ما نه درگیریهای قومی‏ و نژادی وجود دارد و نه ناامنی به مفهوم رایج آن.اگر گاهی‏ اتفاق ناخوش‏آیندی روی می‏دهد از جمله اتفاقاتی است‏ که در همهء جای دنیا ممکن است روی دهد که در ایران‏ میزان آن بمراتب کمتر از دیگر نقاط است.باز هم این سئوال‏ با قوت و قدرت بیشتری در ذهن زنده می‏شود که با همهء این‏ نکاث مثبت،چرا نمی‏توانیم در امر جلب توریست موفق‏ باشیم؟

می‏توانیم گناه را به گردن دیگران بیندازیم.از جمله آنکه‏ در مورد کشور ما آنقدر تبلیغات نادرست به راه انداخته‏اند که‏ کمتر کسی جرأت می‏کند با قبول هزینه سنگین و صرف‏ وقت،به ایران بیاید.این در جای خود درست‏ است،اما واقعیت امر اینست که کوتاهی از خود ماست که‏ در صدد برنیامده‏ایم به طور مؤثر با این تبلیغات نادرست‏ مقابله کنیم.ما به توریستهای خارجی چه امکاناتی عرضه‏ می‏کنیم تا آنها را مشتاق سازیم به رغم تبلیغات روزمره‏ سفر به ایران را بر سفر به هر کجای دیگر جهان ترجیح‏ دهند؟و مادام که برای هر فردی رجحان سفر در جای‏ دیگری وجود داشته باشد چرا از آن استفاده نکند؟بی پرده‏ بگوئیم:ما هنوز توریست را در یک صنعت مهم و یک‏ کار فرهنگی اصیل ندانسته ایم.مشتاقان دانشمند و فرهنگ‏دوستی را که آمده‏اند و مجذوب فرهنگ و تمدن‏ کهن و زندگی روزمره در کشور ما شده‏اند،نادیده گرفته‏ایم‏ و کار خلاف این یا ان بیگانه را،که ممکن است از خودی نیز سر بزند،چنان بزرگ کرده و در رسانه‏های گروهی چنان‏ منعکس کرده‏ایم و خواستار چنان مجازات سختی برای آنها شده‏ایم که مردم جهان را از سفر به ایران به وحشت‏ انداخته‏ایم.بسیاری از مسافرانی-که به هر صورت به‏ ایران آمده‏اند-می‏گویند:ما تنها وقتی که وارد ایران شدیم‏ دریافتیم بسیار چیزها که دربارهء ایران می‏گویند واقعیت‏ ندارد!چرا ما نباید بتوانیم این شایعات را در همان نقطهء بروز بی‏اثر سازیم؟

کوتاهی‏های بسیاری هم داریم که بسادگی و با کمترین‏ هزینه و تلاش می‏توانیم آنها برطرف کنیم ولی هیچوقت‏ آنها را جدی نگرفته‏ایم.

بیائیم از نقطهء آغاز شروع کنیم و نقاط ضعف خود را بیابیم‏ و برای رفع آنها چاره‏اندیشی کنیم:معمولا یک توریست‏ مشتاق است از لحظه‏ای که تصمیم به سفر به کشوری‏ می‏گیرد با آن کشور و مؤسسات آن تماس برقرار می‏کند.ابتدا مسأله گرفتن ویزا و رزرو بلیط پیش می‏آید.توریست اگر شناخت قبلی نداشته و دارای تعصب ناسیونالیستی نیز نباشد،مایل است از هواپیمای کشوری که قصد سفر به آنرا دارد استفاده کند.گاه ویزا را به شرط در دست داشتن بلیط صادر می‏کنند و گاه بلیط را به شرط داشتن ویزای معتبر. کسانی که زیاد به خارج سفر می‏کنند،خوب می‏دانند که‏ هواپیمائی جمهوری اسلامی ایران معمولا یکی از شلوغ‏ترین سرویسهای حمل‏ونقل هوائی جهان است. کمتر پروازی است که با ظرفیت کامل صورت نگیرد.گذشته‏ از آنکه از مدتها پیش بلیطها فروخته یا رزرو می‏شود. ایرانیان سفردوست،مجال چندانی برای خارجیها باقی‏ نمی‏گذارند.ناچار توریست خارجی به خطوط هواپیمائی‏ دیگری روی می‏آورد.این نخستی زیانی است که‏ می‏بینیم.یعنی یک سود قابل حصول را از دست می‏دهیم و سهل و آسان آنرا به شرکتهای رقیب واگذار می‏کنیم.

از شرائط تحصیل ویزا می‏گذریم،همین قدر تذکر می‏دهیم که بنا بر اصل بین المللی روابط متقابل تحصیل‏ ویزا،این روزها برای ایرانیانی که قصد سفر به خارج دارند و خارجیانی که قصد سفر به ایران دارند امری وقت‏گیر است.آنهم در زمانی که سفر در سراسر کشورهای‏ عضو جامعهء اقتصادی اروپا نیازی به تحصیل ویزا ندارد و دیگر گروههای اقتصادی اروپا نیازی به تحصیل ویزا ندارد و دیگر گروههای اقتصادی نیز تسهیلاتی برای رفت و آمد اتباع یکدیگر فراهم ساخته‏اند.نه تنها خارجیان،که گاه‏ ایرانیان مقیم خارج نیز در مقایسه دشواری سفر به ایران‏ و آسانی سفر به سایر کشورها،از قصد سفر به کشور خود منصرف شده به سرزمینی که سفر به آن راحت‏تر است‏ می‏روند و ارزی را که باید در ایران خرج کنند در دیگر کشورها خرج می‏کنند.

معطلی توریستها و بازدید کنندگان از ایران در گمرک‏ داستانی است که در کمتر کشوری مشابه آنرا می‏بینید.گاه‏ تنها به علت اینکه متصدی کنترل عبور از چراغ سبز غیبت‏ کرده است،همه مسافران را به صف چراغ قزمز می‏فرستند. یا تنها به این علت که مسافر مفلوک در سال مربوط بیش از یکبار به خارج سفر کرده است،ولو اینکه هیچ شیئی قابل‏ عرضه‏ای نداشته باشد،او را به صف پر ازدحام چراغ‏ قرمز،هدایت می‏کنند.در آنجا هر چمدان و بسته‏ای‏ بلا استثناء باز می‏شود و بدون اینکه آنرا دوباره مرتب کنند و ببندند تحویل صاحبش می‏دهند.از ورود به فرودگاه تا خروج از گمرک حداقل 5 بار پاسپورت وارد شونده کنترل‏ می‏شود و گاه مامور گمرک مطالبی در آن می‏نویسد که‏ کمترین ارزشی ندارد و تنها وقت تلف کن و عصبیت آفرین‏ است.هیچ مسافری با لب خندان از گمرک خارج نمی‏شود، و این در حالی است که رئیس کل گمرک می‏گوید کالاهای‏ صادراتی بدون نیاز به بازرسی،یکسره برای صدور به‏ ترمینالهای صادراتی فرستاده خواهد شد.البته کاهش 36 درصدی صادرات در نیمه اول سال جاری نسبت به مدت‏ مشابه سال قبل در این اعلام تصمیم مؤثر بوده است که‏ جای بحث آن در مقالهء دیگری است،در اینجا تنها می‏گوئیم:ای کاش به توریست هم به همان اندازهء کالای‏ صادراتی اهمیت می‏دادند و اینهمه بارزسی‏های‏ بی‏حاصل،وقت‏گیر و هزینه تراش صورت نمی‏گرفت. متأسفانه هرگز اعلام نکرده‏اند که بیلان درآمد و هزینه‏ ترمینالهای ورود و خروجی مسافر در سال چقدر است‏ تا نشان دهد در سال چقدر از این رهگذر زیان علنی‏ می‏بینیم.درآمدهائی را که از طریق دلسرد کردن توریستها از سفر و اقامت بیشتر در ایران از دست می‏دهیم بجای خود.

ما هنوز نیاموخته‏ایم چگونه از توریستها کسب منفعت‏ کنیم که با میل و رغبت تا دینار آخر موجودی خود را در ایران‏ خرج کنند و با خاطرهء خوش از ایران بروند و خود را برای‏ دیدار بعدی از کشورمان آماده کنند.یا مسأله اجحاف‏ در میان است که ایجاد عصبت و مقاومت می‏کند و یا اینکه‏ خدماتی را که می‏باید.بابهای خوب ارائه دهیم اصلا ارائه‏ نمی‏دهیم.مثلا در جوار آثار بی‏نظیر تخت جمشید یا میدان امام اصفهان با آن مجتمع شگفت‏آورد دیدنی یک‏ رستوران مناسب با قیمت منطقی وجود ندارد که توریست‏ در آن غذائی بخورد و نوشابه‏ای بنوشد.

ما یک محیط آرام‏بخش که توریست بتواند در آن‏ خستگی کار سالانه را از تن به در کند و تمدید قوا نماید، ایجاد نکرده‏ایم و فکر می‏کنیم همهء توریستها باید باستانشناس باشند!

متأسفانه شواهد در همه جای دنیا نشان داده است که‏ هرکجا دوست دست دست روی کارها گذاشته است،آنها را پیچیده‏تر و پرهزینه‏تر ساخته است،و الا پیشنهاد می‏کردیم یک شورای عالی جلب توریست با شرکت‏ نماینده همهء سازمانهای ذی‏ربط تشکیل شود تا با یک‏ بررسی همه جانبه،مشکلات جلب توریست را از میان‏ بردارند و همهء سازمانها در این امر از سیاست واحدی پیروی‏ کنند که به افزایش درآمد ارزی کشور از توریست منتهی‏ شود.